

بررسی نقش رهبری حضرت امام خمینی(ره) در بسیج‌گری گروه‌ها در دوره شکل‌گیری انقلاب اسلامی

ملیحه حاجی حسن*

زاهد غفاری هاشجین**

چکیده

انقلاب یکی از تحولات بزرگ اجتماعی است که آثار آن در تغییر جوامع بسیار تأثیر گذار است. از آنجا که رهبران در فرآیند انقلاب دارای سه نقش ایدئولوگ، بسیج‌گری و بنیانگذاری هستند، اما در طول مبارزات در نقش بسیج‌گری به صورت بارز ظاهر می‌شوند. امام خمینی(ره) نیز به عنوان رهبر انقلاب اسلامی توانست در هر سه بعد رهبری ایفای نقش کرده و خصوصاً در بسیج گروه‌های مختلف فکری بصورت چشمگیری در صحنه مبارزات ظاهر گردید. هدف اصلی این پژوهش شناخت نقش رهبری امام(ره) در بسیج گروه‌ها است و در این تحقیق از روش تحلیل اسنادی و ابزار فیش‌برداری از کتب، مقالات، اسناد رسمی استفاده شده است. همچنین در این مقاله با توجه به نظریات اریک هافر به عنوان نظریه پرداز بینابین در مورد نقش رهبری بسیج‌گری استفاده شده است. بنابراین یافته‌ها نشان از آن دارد که امام(ره) با برخورداری از جایگاه مرجعیت دینی و قدرت الهی در نقش رهبری انقلاب ظاهر شدند و بر این اساس بینش اسلامی و معیارهای سیاسی خاص بدون خشونت گروه‌های مختلف فکری را حول محور مکتب اسلام بسیج کردند و چهره بسیج عمومی گسترده‌ای را به نمایش گذاشته است.

واژگان کلیدی

انقلاب، رهبران انقلاب، امام خمینی(ره)، رهبر بسیج‌گر، گروه‌های معارض.

*. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

malihehajihasn@gmail.com

z_ghafari@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۳۰

** دانشجوی گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۰۴/۳۰

۱. بیان مسئله

انقلاب‌ها در جوامع، آثار و نتایج پنهان و آشکاری را به جا می‌گذارند و بر اساس شرایط و ارکان به وقوع می‌پیوندند. رهبری، عنصر مردمی، ایدئولوژی و سازمان به عنوان ارکان انقلاب محسوب می‌شوند. از آنجا که رهبران در فرآیند انقلاب دارای سه نقش ایدئولوگ یا بسیج‌گری و بنیانگذاری هستند ولی در طول مبارزات، در نقش بسیج‌گری به صورت بارز ایفای نقش می‌کنند. با وجود جنبش‌های متعدد در ایران، نقش بسیج مردمی، گروه‌ها، منابع بسیار مهم است؛ لذا امام خمینی(ره) به عنوان رهبر انقلاب توانست به نحو احسن گروه‌های مختلف فکری را بسیج کرده و بصورت چشمگیری ایفای نقش کند.

«بسیج به معنای فال شدن از نظر سیاسی و کاربرد منابع قدرت‌گر در جهت اهدافی است که بوسیله ایدئولوژی آن تعریف می‌شود (احمدپور ترکمان، ۱۳۸۹: ۳). حال با توجه به هدف اصلی این پژوهش که شناخت نقش رهبری امام خمینی(ره)، در بسیج گروه‌هاست، نگارنده سعی کرده است با استفاده از روش تحلیل اسنادی و ابزار فیش‌برداری از کتب، مقالات، اسناد رسمی، ضمن بررسی نقش بسیج‌گری اما در انقلاب در پی پاسخگویی به این پرسش است که چگونه اما توانست گروه‌های مختلف فکری را بسیج کند؟ همچنین در این مقاله با توجه از نظریات اریک هافر به عنوان نظریه‌پرداز بنیابین در مورد نقش رهبری بسیج‌گری استفاده شده است. بنابراین یافته‌ها نشان از آن دارد که امام با برخورداری از جایگاه مرجعیت دینی و قدرت الهی در نقش رهبری انقلاب ظاهر شدند و بر این اساس بینش اسلامی و معیارهای سیاسی خاص بدون خشونت گروه‌های مختلف فکری را حول محور مکتب اسلام بسیج کردند و چهره بسیج عمومی گسترده‌ای را به نمایش گذاشته است.

الف) مفاهیم و مبانی نظری

۱. بررسی مفاهیم

۱-۱. انقلاب

انقلاب به عنوان یک پدیده اجتماعی مقطعی دارای ویژگی‌هایی است که در شرایط خاص در یک جامعه واقع می‌شود که این موضوع بحث نظریه‌های انقلاب است. به تعبیر دیگر در انقلاب یک حرکت جمعی توده‌ای فراقانونی است که به سرنگونی رژیم و دگرگونی اساسی و سریع نخبگان سیاسی حاکم منجر می‌شود (پناهی، ۱۳۹۲: ۳۷).

۲-۱. رهبران انقلاب

نقش مهمی که رهبران در فرآیند انقلاب ایفا می‌کنند یا شاید مهم‌ترین نقش رهبران برجسته یک

جنبش ایجاد وحدت بین انقلابیون و مردم تعیین راهبرد عمل انقلابی باشد (green,1995: 51-52). در واقع رهبر انقلاب کسی است که قدرت جذب و نفوذ را در پیروان دارا می‌باشد و در سطح مختلف جنبش نقش تشویق‌کننده، سازماندهی، بسیج، تامین منابع و ... را بخوبی ایفا کند (پناهی، ۱۳۹۲: ۷۵).

۳-۱. رهبر بسیج‌گر

هافر رهبر بسیج‌گر را اینگونه معرفی می‌کند «اراده آهنین، شهامت و بینش رهبری آشنایی لازم است تا گرایش‌ها و فشارهای موجود را در راه یک انگیزه جمعی و در یک جنبش انبوه مردم هماهنگ و تجهیز کند» (هافر، ۱۳۷۲: ۹۲). این ویژگی‌ها را رهبر بسیج‌گر در طول قیام به عهده می‌گیرد تا زمانی که تمام حاکم سه قوا نشده است از مبارزه دست برنمی‌دارد.

۴-۱. گروه‌های معارض

یک حرکت جمعی مخالف، به وسیله گروهی از مردم در فرآیند جنبش شروع به شکل‌گیری کرده و سپس به وسیله رهبران انقلاب عملکرد گروه‌ها سازمان یافته‌تر و منظم‌تر جهت‌دارتر می‌شود. اعضای گروه‌ها در پی منافع جمعی گروه‌اند و برای این کار دست به بسیج منابع می‌زنند (پناهی، ۱۳۹۲: ۲۳۳ - ۲۳۴).

۲. پیشینه تحقیق

در رابطه با مسئله بسیج‌گری امام در ابعاد گروه‌ها و نهادها، تاکنون پژوهشی مستقل انجام نگرفته است. البته برخی از نویسندگان در ذیل نقش گروه‌ها و احزاب در انقلاب اجمالا به گروه‌ها و احزاب اشاره نموده‌اند. به عنوان مثال، هزاره‌ای (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «واکوی استراتژی مبارزاتی امام خمینی(ره) در فرآیند انقلاب اسلامی به نوع مبارزاتی امام و شیوه حرکتی گروه‌ها پرداخته است. قاسم پور (۱۳۹۵) در پایان نامه خود مولفه‌های رفتار سیاسی امام(ره) را جذب افراد در انقلاب بررسی کرده است. ایشان شخصیت رهبر انقلاب را مورد بررسی قرار داده است. ولی درباره گروه‌ها مطالعه‌ای انجام نداده است. بررسی کتب منتشر شده در پیرامون تشکله‌ها و احزاب بیانگر آن است که مسئله گروه‌ها به مثابه یک موضوع مستقل در انقلاب است. مک یارد (۱۳۸۲) در کتاب خود تحت عنوان «شکل‌گیری احزاب و تشکله‌ها» نسبت به شکل‌گیری گروه‌ها پرداخته است ولی نقش رهبری امام را در بسیج آنان مورد مطالعه قرار نداده است.

مقاله حاضر از حیث کاربردی روشی که همان تحلیل اسناد است و همچنین از بحث فیش‌برداری از کتب، مقاله‌ها اسناد رسمی تلاش کرده است نگاهی جامع به نقش رهبری بسیج‌گری امام در

شکل‌گیری گروه‌ها در فرآیند انقلاب داشته باشد. لذا در این اثر چگونگی بسیج گروه‌ها توسط امام مورد توجه قرار گرفته است که اثری نو و بدیع به‌شمار می‌آید

۳. مبانی نظری

درباره فرآیند انقلاب دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که عبارتند از: ۱. نظریه‌های ساختارگرایی انقلاب ۲. نظریه‌های روش شناختی انقلاب ۳. نظریات که حالت بینابینی دارند و نقش کم یا بیشتری به عامل رهبری در فرآیند انقلاب نسبت می‌دهند. (پناهی، ۱۳۹۲: ۳۷۷)

۳-۱. دیدگاه ساختارگرایی

این دیدگاه شامل نظریات مارکسیستی و کارکردگرایی است که نقش مهمی برای رهبر در جنبش انقلابی قائل نیستند و نقش آن را تابع ساختارها می‌دانند. در نظریات مارکسیستی، انقلاب وسیله تحول از یک شیوه تولید به شیوه تولید بعدی است، لذا رهبران باید نزد توده‌ها رفته و خواسته‌های آن را در نظر بگیرند. اما در دیدگاه کارکردگرایی نقش رهبری تابع ساختار جامعه است، بر این اساس ابتدا ساختار جامعه دچار بحران و تنش می‌شود سپس برای ظهور رهبرانی آماده می‌شود. «به عبارت دیگر، اگر مشکلات ساختاری در جامعه وجود داشته باشد، برای چاره‌جویی آن رهبران مورد نیاز ظهور خواهند کرد» (پناهی، ۱۳۹۲: ۳۷۷).

۳-۲. دیدگاه روان شناختی

در این دسته نظریات، رهبران نقش اساسی در فرآیند انقلاب داشته و نخبگان نقش تعیین کننده در جریان انقلاب و بسیج توده‌ای دارند. آنان معتقدند رویدادهای جامعه همچون انقلاب به تصمیمات و اقدامات و احساسات آن‌ها بستگی دارد. در واقع تعدادی از اندیشمندان اجتماعی نخبه‌گرا هستند و نقش اساسی را در فرآیندهای دگرگونی اجتماعی از قبیل انقلاب، به نخبگان و روابط بین آنان نسبت می‌دهند. (پناهی، ۱۳۹۲: ۳۷۹)

۳-۳. دیدگاه بینابینی

عده‌ای معتقد هستند «آن‌گاه که زمینه آمده شد، حضور یک رهبر برجسته ضروری است زیرا بدون او جنبش در کار نخواهد بود» (پناهی، ۱۳۹۲: ۲۸۲). یکی از کسانی که در دسته سوم، نظریات خود را مطرح می‌کند اریک هافر است. او درباره رهبر چنین می‌گوید «رهبر مظهر قاطعیت یک آیین و شکوه قدرت است. رهبر خشم انباشته در روح و جان ناامیدان را بیان و توجیه می‌کند» (هافر، ۱۳۷۲: ۱۲۳).

هافر سه نوع رهبران انقلابی را از هم تمییز می‌دهد.

دسته اول سخنوران و نظریه پردازان، که کارشان زمینه‌سازی فکری انقلاب و گسترده کردن نارضایتی و همچنین سیاسی کردن نارضایتی و کاستن از مشروعیت نظام حاکم و نشان دادن جامعه آرمانی است. او نقش سخنوران در انقلاب را این طور مطرح می‌کند که به طور نامحسوس نهادهای مستقر را تضعیف، قدرتمندان را بی‌اعتبار، باورها و وابستگی‌های موجود را کم‌اثر و زمینه را برای ظهور یک جنبش مهیا می‌کند. یکی از ویژگی‌های چشمگیر نظریه‌پردازان انقلاب که نقش رهبری بر عهده دارند، آمادگی آنان به تقلید از دوست و دشمن و الگوهای گذشته معاصر است. شهامت که لازمه این نوع رهبری است همان قدر که شهامت در تقلید را دربرمی‌گیرد، جسارت در سرپیچی از جهان را شامل می‌شود و کلیه کار قهرمانانه‌ای، ظرفیت بی‌حد و مرز در تقلید و الگوپردازی مصممانه از یک مدل است.

دومین نوع رهبران از نظر هافر، متعصبان تندرو هستند که عملاً جنبش را به راه می‌اندازند و نظام حاکم را سرنگون و نظام جدید را ایجاد می‌کنند. این رهبران مانند فرماندهان به صف‌بندی‌ها دامن می‌زنند و بین دوست و دشمن خط‌کشی می‌کنند و دشمنان داخلی و خارجی را مطرح و برجسته می‌نمایند و به تعارضات دامن می‌زنند. این چنین رهبران عرصه باورسازی را برای تحقق از خود گذشته‌گی و عمل متحد کاملاً ضروری می‌داند. آنان شور پیوند و حس‌رهایی از یک وجود فردی ناچیز و پوچ را برمی‌انگیزند. البته افراد برخوردار از زندگی بی‌ثمره و ناامن، سرسپردن به آستان یک رهبر عالی مقام که قدرت فرماندهی دارد رهیافتی بر آرمان برابری و عدالت آنان است، را اطاعت می‌کنند.

نوع سوم رهبران، مردان عمل هستند که ظهور آنان معمولاً حاکی از پایان مرحله پویایی جنبش است. جنگ اکنون پایان یافته است و مردان واقعی عمل، تصمیم دارند که تصرف کننده انقلاب شوند. دغدغه‌های عمده یک مرد عمل به عنوان بنیانگذار انقلاب در آن است آنگاه که جنبش به جایی رسید آن را تثبیت کنند و همچنین وحدت آن را حفظ کنند و آمادگی برای از خودگذشتگی و ایثار را در توده‌های مردم پرورش دهند. مرد عمل یا رهبر بنیانگذار انقلاب با روش‌هایی که اختیار را به دست می‌گیرد و با قدرت مخالفت‌ها را سرکوب می‌کنند و انقلاب را به تعادل می‌رساند البته ایجاد نهادها و سازمان‌هایی را برای هدف ذکر شده ایجاد می‌کند تا بتواند مخالفان و ناراضیان را از میدان بیرون کند.

نتیجه‌ای که می‌توان از نقش رهبران در نظریه اریک هافر گرفت این است که رهبران متنوع انقلابی برای طراحی ایدئولوژی انقلاب، توصیف و تبیین نابسامانی‌های موجود جامعه، پاگرفتن و رشد

شکوفایی بسیج توده‌ای، حفظ وحدت بین رهبران انقلابی، جهت دادن به کنش انقلابی، امید دادن به مردم در جهت نابودی نظام حاکم و رفع نابسامانی‌های موجود جامعه، ترسیم نمای دلپذیر از جامعه انقلاب نقش اساسی ایفا می‌کنند. همچنین که بدون وجود رهبران جنبش یا انقلاب اصلا پا نمی‌گیرد و یا در صورت بروز انقلاب، با شکست روبرو می‌شود. اما باید دانست که رهبران با وجود شرایط انقلابی و زمینه‌های لازم برای یک جنبش فراگیری توده‌ای و یا انقلاب، می‌توانند نقش‌آفرینی کنند.

۴. ابعاد رهبری سه‌گانه امام خمینی(ره)

در جریان انقلاب‌ها ممکن است این وظایف انقلابی را رهبران مختلفی عهده‌دار باشند و هر کدام در مرحله‌ای ظهور کنند و یا اینکه با توجه به توانایی و ابعاد شخصیتی این سه نقش رهبری در یک شخص متجلی شود.

در انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی(ره) با توجه به ابعاد جامع شخصیتی و توانایی بالای رهبری در هر سه نقش رهبری نظریه‌پردازی، فرماندهی، بنیانگذاری و مدیریت انقلاب به نحو بارز ظاهر شد و ایفای نقش کردند. (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۴۲)

۴-۱. نقش نظریه پردازی امام خمینی(ره) در انقلاب اسلامی

چنانچه در بحث نظریه هافر در مورد نقش رهبران در انقلاب مطرح کردیم او معتقد است که معمولاً ابتدا هسته اصلی ایدئولوژی به وسیله یک رهبر فرهمند مطرح می‌شود. سپس به تدریج که جنبش توسعه می‌یابد و ضرورت دارد که تبیین کامل‌تری از نابسامانی‌های وضع موجود، وضعیت آرمانی و چگونگی از وضع موجود به جامعه آرمانی مطرح شود، ایدئولوژی انقلابی هم توسعه می‌یابد تا بتواند کارکردهای خود را به خوبی انجام دهد.

امام خمینی(ره) با اعتقاد به جامعیت، کمال و جاودانگی قوانین اسلامی که در کتاب و سنت مطرح شده است پایه و اساس ایدئولوژی نظریه انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی را پی‌ریزی می‌کند. به گفته ایشان «مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی دخالت و نظارت دارد» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۴۰۲: ۲۱).

در حقیقت این مبنای فکری اصیل امام خمینی(ره) بود در سایه مرجعیت هم به طراحی و تبیین نظام سیاسی همت گماشت و هم ثابت کرد که اسلام هم می‌تواند خط فکری لازم را در اختیار مخالفان رژیم پهلوی قرار دهد. در ایدئولوژی امام خمینی(ره) عنصر انتقاد به مظاهر بی‌نظمی و

نابسامانی در اولین آثار و مکتوبات ایشان یافت می‌شود که به صراحت به مسائل روز جامعه انتقاد می‌کنند و علت این بحران در جامعه ایران را در کنار گذاشتن اسلام از زندگی روزمره می‌داند چنان‌چه در نامه‌ای که در سال ۱۳۵۶ خطاب به شاه می‌گوید: «تمام مصیبت‌های ما این است که در حکومت تو مذهب و اسلام نقشی ندارد. سرچشمه تمام مفاسد همین است» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۲۹۲).

امام خمینی(ره) توانست ضمن پایبندی به سنت و قرآن، ایدئولوژی نوآرانه‌ای را ارائه کند که به دلیل بهره‌گیری از آرمان‌های مذهبی مانند عدالت، پارسایی حکام و برابری، بهترین تصویر را از وضع مطلوب مطرح کردند که فاصله زیادی با وضع موجود داشت و برای انتقال از وضع موجود به مطلوب، موثرترین راه را که همان ایجاد حکومت اسلامی است، به صورت شفاف و دقیق آن را مطرح کردند.

۲-۴. نقش بسیج‌گری امام خمینی(ره) در انقلاب اسلامی

با توجه به نقش رهبری در نظریه هافر می‌بینیم که او معتقد است که نقش رهبر اصلی انقلاب در جنبش سرنوشت‌ساز است. اگر او مورد اعتماد مردم نباشد نمی‌تواند بین انقلابیون وحدت و هماهنگی لازم ایجاد کند و بسیج فراگیر و وسیع مردمی موفق شود و نیروی عظیمی برای مقابله با رژیم حاکم به وجود آورد. لزوماً این رهبر اصلی به صفت بندی‌ها دامن زده و بین دوست و دشمن خط‌کشی کند و دشمنان داخلی و خارجی را مطرح و برجسته می‌نماید و به تعارضات دامن می‌زند.

امام خمینی(ره) در طول قیام مردم بر علیه رژیم شاه با مطرح کردن آرمان‌های انقلاب آنان را برای فداکاری و جانفشانی برای تحقق آن آرمان‌ها آماده می‌کردند. ایشان به وسیله پیام‌های سخنرانی خود ابتدا مردم را آگاه می‌کردند و با بسیج توده‌ای مردم به انواع فعالیت‌های جمعی مانند تظاهرات و راهپیمائی، تشویق می‌کنند. ایشان با استفاده از ایدئولوژی مکتب اسلامی، احساسات توده‌ها را تحریک و آنان را نسبت به موضوعات حساس و بسیج کردند. رهبری ایشان در این مرحله از ویژگی‌های زیر برخوردار بود.

— تکیه بر حضور همه گروه‌ها و اقشار در صحنه انقلاب و ایجاد وحدت میان آنان و بسیج

توده‌های مردم

— بسیج نخبگان سیاسی و همراه کردن آنان با حاکم ساختن ایدئولوژی اسلام بر مبارزه آنان در انقلاب

— بسیج گروه‌ها و منابع

بنابراین امام خمینی(ره) شرایط ذهنی، مردم را برای مشارکت جدی در فرآیند انقلاب و فداکاری و ایثارگری برای اهداف آنان آماده کردند، و با مطرح کردن راه رسیدن به تندیس اهداف، ایجاد اتحاد و یکپارچگی و روحیه فداکاری و از جان گذشتگی تسهیل می‌کردند. در نتیجه بسیج توده‌ای فراگیری

در تمام جامعه امکان‌پذیر شد و انقلاب با سرنگونی رژیم به پیروزی رسید.

۳-۴. بنیانگذاری مهم‌ترین نقش امام خمینی(ره) در فرآیند انقلاب اسلامی

«از نظر هافر رهبر یا همان مرد عمل به عنوان مدیر یک انقلاب که هم وظیفه اداره انقلاب و نهادینه کردن آن و کنترل وضعیت انقلابی را برعهده دارد و هم مبانی قدرت انقلابی را تحکیم می‌کنند و با قدرت مخالفت‌ها و بحران‌ها را سرکوب می‌کنند و انقلاب را به تعادل می‌رسانند و در نتیجه حکومت متمرکز تشکیل می‌دهد. در انقلاب اسلامی ایران نیز امام خمینی(ره) هم آرمان‌ها و خطمشی انقلاب را نهادینه و جمهوریت و اسلامیت را مطابق خواست مردم در تمام ارکان و اجزاء جامعه محقق کرد و هم با مهار مخالفت‌ها و تهدیدها زمینه تشکیل و تداوم نظام اسلامی را فراهم کردند» (احمدی، ۱۳۸۹:۱۰۷).

امام خمینی(ره) با توجه به نظریه ولایت فقیه خویش ابتدا به تشکیل دولت پرداختند و با اختیار و آرای مردم توانستند نظام را شکل‌دهی نمایند. ایشان با بسیج اقشار مردم در تأسیس نهادها و موسسات در تحکیم بنیادهای اساس حکومت اسلامی گام‌های بلند را پی‌ریزی کردند. امام(ره) حکومت نوپای نظام جمهوری اسلامی از بحران‌ها و تحولات داخلی و خارجی به صورت حفظ تمامیت ارضی هويت و استقلال در برابر اجانب و بیگانگان به‌ویژه شرق و غرب و نفی هرگونه وابستگی به بیگانگان یا خودباختگی، دست‌نشاندهی، پذیرش استعمار و نظایر آن نیز محافظت نمودند. در زمینه تقویت پایه‌های ایمانی مردم و پرورش نسل‌های خودباور امام نقش برجسته‌ای در سطح جامعه انسانی به عنوان رهبر ایفا کردند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با آن‌که تبلیغ از سوی دشمنان داخلی و خارجی بسیار وسیع و در سطح ملی بود و گروه‌های مختلف با ایدئولوژی‌های غربی و شرقی به میدان آمده بودند ولی امام، با توجه به فرهنگ غنی اسلامی در تمام ابعاد، یکی از هدف‌های دولت اسلامی را دعوت جهانیان به ارزش‌های اسلامی دانستند و می‌فرمود: «ما می‌خواهیم معنویات انقلاب اسلامی مان را به جهان صادر کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳: ۸۵). البته امام خمینی به عنوان بنیانگذار حکومت اسلامی ایران توانست دگرگونی‌های عمیق و با وسعت بسیار زیادی بعد از سرنگونی رژیم در ایران پایه‌گذاری نماید و جامعه را براساس ساختارهای جدید بنا کند که از بزرگترین پیامدهای انقلاب ایران بود.

علامه مطهری درباره کلیات رهبری انقلاب ایران چنین می‌گوید «علت این‌که امام خمینی رهبر بلامعارض و بلامنازع این نهضت شد این است که علاوه بر این‌که واقعا شرایط مزایای یک رهبر از قبیل صداقت، روشن‌بینی، شجاعت، قاطعیت و ... در فرد ایشان جمع بود، ایشان در مسیر فکری،

روحي و نيازهاي مردم ايران قرار داشت كه ديگران در اين سير قرار نداشتند» (مطهری، ۱۳۸۷: ۸۶).

۵. مدل نظری نقش بسیج‌گری امام خمینی(ره) در شکل‌گیری گروه‌ها



ب) نقش رهبریت بسیج‌گری امام(ره) در عملکرد گروه‌ها

در اندیشه سیاسی امام(ره) گروه‌های سیاسی از جایگاه خاصی برخوردار بودند. آنان در واقع تشکل‌های خاصی از سازماندهی نیروهای اجتماعی‌اند که در جریان مبارزاتی فعالیت کرده و دارای معیارها و ویژگی‌های خاص هستند. ندانستن سوابق مشکوک شناختن درست هویت جامعه ایرانی، آرمانی، صداقت، درستی عمل، اراده مورده استقامت در مبارزه، شرایط اساسی برای هدایت از معیارهایی بود که امام برای گروه‌ها در نظر داشتند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ۴: ۴۳۵). ایشان با توجه به نقاط ضعف و قوت گروه‌ها، حرکت‌های سیاسی آنان را به عنصری سرنوشت‌ساز تبدیل نمود و چالش‌های رفتار سیاسی شان را نیز مورد ارزیابی و انتقاد قرار می‌داد. بدینسان، سیره استراتژیکی بسیج‌گری امام در طول مبارزه به گونه‌ای بود که هیچ‌گاه مخالفتی با فعالیت‌های آزادانه گروه‌های سیاسی در چارچوب نظام مذهبی سیاسی نداشتند امام همواره از فعالیت‌های متاثر از جریان‌های بیگانه در طول مبارزات

گروه‌ها جلوگیری کردند.

در انقلاب اسلامی، تحولات سیاسی ۱۳۴۲ زمینه‌ساز شکل‌گیری برخی از گروه‌های سیاسی شده بود که در حرکت قیام برای دچار خیزهایی و افت‌هایی شد. تفاوت مبانی نظری، دیدگاه‌های مختلف باعث گردید که آنان در طول نهضت فعالیت‌های گوناگون سیاسی انجام دهند، اما همه گروه‌ها با سیاست‌های رژیم در تضاد بودند و مخالف قیام مردمی نبودند. جریان‌های فکری و گروه‌های سیاسی در برج عظیم قیام مبارزات سیاسی یا اجتماعی خود را گسترش داده و با تامل در اهداف و شیوه مبارزاتی ضمن پذیرش همراهی با مردم و جانبداری از آزادی سیاسی، در عرصه‌های مختلف مبارزاتی تحت مصادیق ساختار قدرت انقلاب، از رهبریت امام(ره) پیروی کردند.

کلام آخر اینکه، تبلور بسیج امام(ره) در ارتباط با گروه‌ها بر اساس عملکرد ایشان استوار بود. امام ضمن برسمیت شناختن آزادی‌های سیاسی اجتماعی، مشارکت گروه‌ها و احزاب در قیام، فقط ارکان و اهداف انقلاب، عدالت اجتماعی، استقلال، آزادی، توانست تمام اقشار جامعه را خصوص جریان‌های فکری گوناگون در پیکر انقلاب بسیج کند و بزرگترین ماشین بسیج‌گری را در عرصه عمل به نمایش بگذارد.

۱. گروه‌های ملی و رهبری امام(ره)

تمامی گروه‌های سیاسی از حیث خواسته‌ها و اهداف، موجب گردید که آنان براساس مبانی فکری، دسته‌بندی بشوند. گروه‌های ملی با اهداف ترجیح ایران، جدایی دین از سیاست، مخالفت با نفوذ انگلیس، تکیه بر قانون اساسی مشروطیت شروع به فعالیت‌های سیاسی کردند. در اینجا مهمترین گروه‌های ملی در ارتباط با رهبری امام در فرآیند انقلاب را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱. جبهه ملی ایران

یکی از احزاب سیاسی ایران جبهه ملی بود که از چند حزب کوچک به وجود آمده بود. جبهه ملی به هدف ملی‌گرایی ایرانی و رهانیدن ایران از استعمار انگلیس در آبان ۱۳۲۸ شکل گرفت و خواستار گسترش رابطه با آمریکا بود. در سال ۱۳۵۶ به دنبال فضای باز سیاسی این حزب دوباره شروع به فعالیت کرد و معتقد بودند با تکیه بر قانون اساسی شاه باید سلطنت کند نه حکومت و در این راستا آنان در آستانه پیروزی انقلاب برای به دست گرفتن قدرت، یکی از رهبران این جبهه یعنی بختیار را به عنوان نخست‌وزیری معرفی کردند. (عیوضی و هراتی، ۱۳۹۱:۱۰۷)

جبهه ملی که با تلاش و کمک آمریکا اهداف خود را دنبال می‌کرد، با مخالفت امام خمینی و مردم انقلابی ایران مواجه شد چرا که با آرمان‌های انقلاب و رهبری در ستیز بود. آنان در پی جلب

مقامات آمریکایی بودند که این با راهبرد انقلابی امام خمینی تضاد داشت. این درحالی بود که رهبر انقلاب به صورت آشکار با بیگانگان اعلام مخالفت می‌نمود و آنان را سبب این همه مشکلات می‌دانست و از سوی دیگر اندیشه جدایی دین از سیاست که در ایدئولوژی این جبهه رشد نموده بود با اندیشه انقلابی امام در ستیز بود و این امر باعث شد که مورد توجه فعالان سیاسی قرار نگیرد و به یک جبهه غیر مذهبی تبدیل گردد.

بنابراین مواضع سیاسی - انقلابی امام خمینی در هر مقطعی برخاسته از مبانی شرعی در چارچوب منطق بود نه ملاحظات محافظه‌کارانه، چنانچه نخبگان جامعه نمی‌توانستند در برابر منطق محکم ایشان نقضی وارد کنند. انگیزه امام از ورود به عرصه سیاست، تکلیف الهی بود که نشان دهنده خلوص ایشان بود که توانست رسوایی گروه‌ها و جبهه‌های غیر اسلامی را در طول حیات مبارزاتی به مردم ایران نشان دهد. (ذوعلم، ۱۳۸۱: ۶۵)

۲-۱. نهضت آزادی

حرکت پرستاب انقلاب اسلامی سبب شد فعالیت سیاسی احزاب و گروه‌های مختلف دچار افت و خیزهای بسیاری شود. تضاد اهداف و خواسته‌های آنها موجب گردید که بیشتر احزاب در ابتدا تا حدودی با انقلاب و مردم همراه شوند و سپس راه خود را جدا نمایند و به دنبال مسیر دلخواه خود بروند. در این میان نهضت آزادی با هدف حفظ اصالت نهضت ملی در چارچوب وحدت با جنبش نوین اسلامی تشکیل شد که به واقع یک گروه سیاسی - مذهبی بود. این گروه در سال ۱۳۴۰ از جبهه ملی جدا شد و موجودیت خود را اعلام کرد و عمدتاً به فعالیت سیاسی پرداخت و بازرگان یکی از بنیانگذاران این نهضت به‌شمار می‌رفت. (عیوضی و هراتی، ۱۳۹۱: ۱۰۸)

این نهضت با اوج‌گیری حرکت‌های انقلابی مردمی، با امواج انقلاب همراه شد و در اندک زمانی رشد کرد و بر فعالیت‌های انقلابی خود افزود. رهبران این نهضت در حدود قانون از شاه انتقادهایی می‌کردند ولی در آستانه پیروزی انقلاب دیدگاه‌های این رهبران با نظرات رهبری انقلاب و مردم دچار تضاد و تمایز شد مثلاً بازرگان در مصاحبه‌ای در ۱۳۵۷/۱۱/۳ بیان داشت «او (بختیار) مردی وطن‌پرست، بسیار منطقی و دارای تشخیص درست است» (عیوضی، ۱۳۸۶: ۲۴۵). در حالی که مردم، بختیار را نوکر بی‌اختیار رژیم می‌دانستند و امام، بختیار را ته‌مانده استعمار و نوکر معرفی کرده بود.

در این بیان اندیشه و نظر امام خمینی نسبت به احزاب و گروه‌ها براساس آزادی - اسلامی مطرح می‌شد. چنان‌که وقتی از امام سوال شد که «آیا شما موافق آزادی مطبوعات و سیستم چندحزبی و آزادی احزاب و سندیکاها هستید؟» ایشان فرمودند «ما موافق رژیم آزادی‌های کامل هستیم. باید

حدود رژیم آینده ایران، همان‌گونه که برای کلیه دولت‌های متکی مردم مطرح است، منافع مجموع جامعه محدود دستبرد به شرف مردان و زنان آن می‌باشد» (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۶۰)

نهضت آزادی نیز در این راستا با وجود انحرافات و ضعف‌های بسیار توانست بازرگان را به عنوان نخست‌وزیری موقت وارد بدنه انقلاب کند و امام بر اساس اندیشه آزادی - اسلامی خود با این پیشنهاد موافقت نمود. این نهضت پس از در دست گرفتن قدرت به جایگاه عناصر فاقد حساسیت فرهنگی، سیاسی نسبت به مسائل خصوصاً غرب گردید و با افشای اسناد جاسوسی آمریکا از وجاهت این نهضت کاسته شد و باعث استعفای بازرگان از قدرت شد. آنچه باعث جدایی نهضت آزادی با جریان رهبری شد را می‌توان در تغایر عملکرد و دیدگاه این نهضت برشمرد که عبارت است از علم‌زدگی، نداشتن دوراندیشی، وابستگی به غرب، اعتقاد به جدایی دین از سیاست، (عیوضی و هراتی، ۱۳۹۱: ۱۰۹)

بنابراین امام خمینی بر اساس اندیشه آزادی - اسلامی خویش عملکرد احزاب خصوصاً نهضت آزادی را بعد از فرار بنی‌صدر برخلاف مسیر اسلام بیان نمود و طی سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان در ۱۳۵۸/۵/۲۷ فعالیت آنان را ممنوع اعلام نمود.

«ما یک حزب را یا چند حزب را که صحیح عمل می‌کند می‌گذاریم عمل بکند و باقی همه را ممنوع اعلام می‌کنیم و همه نوشتجاتی که این‌ها داشته‌اند و برخلاف مسیر اسلام و مسیر مسلمین است، ما همه این‌ها را از بین خواهیم برد. ما بعد از این که فهمانیدیم به این‌ها که شما دیکتاتور هستید، ما آزادی‌خواه بودیم و شما نگذاشتید، ما آزادی دادیم و شما نگذاشتید این آزادی باقی بماند، حال که این‌طور شد ما انقلابی با شما رفتار می‌کنیم» (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۶۲)

۲. گروه‌های مذهبی پشتیبان خط رهبری امام(ره)

این گروه‌ها به گفته امام خمینی دارای معیارهای شایسته برای تشکیلات بودند. برخورداری از رهبر مورد اعتماد، داشتن آرمان‌های مطابق با خواسته‌های عمومی، صداقت، درستی در عمل، استقامت و مبارزه برای عقیده و خلاصه مبارزه برای سرنوشتی دولت حاکمه و رژیم ظالمانه معیارهای موردنظر امام بود. از جمله این گروه‌ها می‌توان گروه مؤتلفه و فدائیان اسلام اشاره کرد.

۲ - ۱. جمعیت مؤتلفه اسلامی

محل پیدایش این جمعیت و گروه بازار تهران بود و گردانندگان اصلی آن نیز کسبه متدین و تجار و روسای مذهبی بازار بودند و پایگاه مردمی آن اطراف بازار و جنوب تهران باید دانست که در آغاز

کارگروه سه هیئت مذهبی که متشکل از ۱۲ نفر بود گرد هم آمده بودند. این گروه در ابتدا اقدامات نظامی مسلحانه انجام می‌داد و در جریان ترور حسنعلی منصور در سال ۱۳۴۳ بیشتر اعضای این جمعیت دستگیر و به اعدام و یا زندان محکوم شدند. به دنبال شروع قیام مردمی به رهبری امام خمینی باقیمانده این گروه دست به تشکل تازه‌ای زدند و نقش ویژه‌ای در توزیع اعلامیه‌ها و پیام‌های امام و همچنین تکثیر نوارهای سخنرانی امام ایفا نمودند. و به طور چشمگیری به سازماندهی بازاریان و اصناف در طول انقلاب پرداختند. البته نقش این گروه بعد از پیروزی انقلاب نیز قابل توجه بود که برای رسمیت یافتن در سال ۱۳۶۷ به عنوان جمعیت مؤتلفه اسلامی مجوز فعالیت از وزارت کشور گرفت. (اسکندری، ۱۳۸۹: ۱۷۷ - ۱۷۸)

این جمعیت سیاسی در طول انقلاب نقاط مشترکی با جامعه روحانیت برقرار نمود و با اصول و برنامه‌های مبارزاتی آنان همخوانی و هم پایایی داشت و در تبعیت از رهبری نیز نسبت به گروه‌های دیگر قوی‌تر عمل نمود. این جمعیت توانست طیف وسیعی از اقدشار بازاریان، اصناف، صاحبان کارگاه‌ها، دانشجویان و روحانیون را متمرکز کند و هدایت آنان در جریان‌های سیاسی را به عهده بگیرد. پایگاه اجتماعی این گروه باعث شد حمایت مردمی در اجرای اقدامات این تشکیلات اقتصادی - سیاسی را جلب کند. (شادلو، ۱۳۷۹: ۱۶۲)

در انقلاب اسلامی ایران پیوند بین گروه‌ها و رهبری انقلاب، نقش بی‌بدیلی در افزایش اعتماد خاصی در بین مردم و این گروه‌ها داشت. البته جمعیت مؤتلفه در شرایط مختلف قیام به خدمت امام می‌رفتند و از رهنمودهای ایشان بهره‌مند می‌شدند. به تعبیر دیگر امام خمینی با مطرح کردن نظریه ولایت فقیه توانست در انجام اندیشه سیاسی گروه‌های مبارزه تأثیر بسیاری بگذارد و به عنوان فصل الخطاب در مورد پشتیبانی از رهبری و قیام مردمی به کار ببندد. (التیام‌خو، ۱۳۹۲: ۴۱ - ۴۲)

در این راستا حبیب الله عسکراولادی به عنوان یکی از اعضا اصلی این جمعیت در جبهه پیروان خط امام و رهبر قرار می‌گرفت و از نظر سیاسی معتقد است که ولایت فقیه رکن این نظام است و در زمان غیبت امام زمان(عج) فقیه عادل و عالم نیابت عامه ایشان را به عهده دارد و این امر را یک مسئله «تشخیص» می‌داند و رأی مردم در انتخاب ولی فقیه را توطئه دشمنان و بیگانگان مطرح می‌نمود. در حقیقت اعضای مؤتلفه معتقد بودند مشروعیت ولایت در متن اسلام است نه در رأی و انتخاب مردم. (اسکندری، ۱۳۸۹: ۱۷۹)

۲ - ۲. فدائیان اسلام

فدائیان اسلام نخستین گروه بود که جنبش مسلحانه را در تاریخ معاصر ایران سازماندهی کردند. این

گروه در جنبش خود در عرصه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی فعالیت‌های گوناگونی انجام دادند ولی اتخاذش مسلحانه آنان در مبارزات در طول انقلاب متکی بر علل و عوامل متعدد تاریخی — سیاسی بودند؟ ابتدا این جمعیت به نیت جلوگیری از جریان‌های ضددینی ایجاد شد و در ۱۳۴۲/۱۲/۲۰ با ترور احمد کسروی توسط اعضای این گروه توانست اعلام موجودیت کند. (احمدپورترکمانی، ۱۳۸۹:۲۰۱)

یکی دیگر از فعالیت‌های مسلحانه این جمعیت، ترور عبدالحسین هژیر در ۱۳۲۸/۸/۱۴ بود. فدائیان سیزده روز پس از تشکیل جبهه ملی هژیر که عامل اصلی خیانت در انتخابات بود ترور کردند. البته ترور رزم‌آرا توسط طهماسبی یکی از اعضای فدائیان در ۱۳۲۹/۱۲/۲۸ باعث شد رژیم در برابر خواست مردم چاره‌ای جز تسلیم نداشته و لایحه ملی شدن صنعت نفت را به تصویب برسانند. (احمدپورترکمانی، ۱۳۸۹:۲۰۲) در طول مبارزات، این جمعیت همچنان به فعالیت خود ادامه دادند و پس از کودتای ۲۸ مرداد در اعتراض به پیمان نظامی سنتو این گروه تصمیم به ترور حسین علا گرفته ولی به دلیل این که اسلحه محمدعلی ذوالقدر یکی از اعضای گروه فدائیان اسلام به موقع عمل نکرد، باعث شد تعداد زیادی از فدائیان اسلام خصوصاً نواب صفوی دستگیر و در دادگاه با یاران خود محکوم به اعدام شوند. (منصوری، ۱۳۷۷، ۱:۲۲)

در نهایت، مبارزه مسلحانه شیوه‌ای بود که در تاریخ مبارزات سیاسی ابران شکل گرفته بود که در قالب یک کنش اجتماعی — سیاسی در چنته مبارزات سیاسی مردم افزوده گردید. البته در استراتژی مبارزاتی امام، مبارزات به شکل غیرمسلحانه و ضد خشونت و همراه با مصلحت‌گیری و آرامش بود. اگرچه مسلح شدن نیروهای مبارزاتی و آموزش آنان را یک تکلیف می‌دانست. در طول مبارزات به کارگیری روش‌های مسلحانه و خشونت‌طلبانه از طرف مردم بسیار نادر است ولی در روزهای پایانی سقوط رژیم به علت سرکوب‌های شدید و خصمانه نیروهای امنیتی، ساواک، ارتش موجب گردید تا مخالفان و مبارزان انقلابی به شیوه‌های مسلحانه برای سرنگونی نهایی شاه روی بیاورند.

«نخستین درگیری مسلحانه میان نیروهای انقلابی و ماموران رژیم در جریان ابراز احساسات دانشجویان نیروی هوایی نسبت به پخش فیلم مراسم استقبال امام خمینی و حمله مسلحانه ماموران گارد شاهنشاهی به آن‌ها در پادگان دوشان تپه در تاریخ ۲۰ بهمن آغاز شد و با شروع درگیری، سازمان‌های چریکی و مردم برای کمک به همافران محاصره شده به پادگان مزبور هجوم بردند و پس از شش ساعت درگیری شدید، مردم با کمک پرسنل نیروی هوایی به طرف اسلحه‌خانه هجوم بردند و با استفاده از تفنگ و مسلسل به ساختن سنگرهای خیابانی پرداختند و مبارزات خود را جدی

دنبال کردند» (احمدپورترکمانی، ۱۳۸۹: ۲۵۸).

فدائیان اسلام برای رسیدن به اهداف انقلابی خود با تکیه بر اصول دینی به مبارزه مسلحانه روی آورده بودند ولی حرکت آنان به رغم نتایج موفق‌آمیز و پرشور، به علت‌های مختلف نتوانست رژیم را سرنگون کند. (پناهی، ۱۳۹۳: ۷۷) در پی این خیزش انقلابی که اندیشه‌های مبارزه مسلحانه در میان گروه‌های انقلابی رشد نمود، که به دنبال حرکت‌های مسلحانه این گروه، نیروهای غیرمذهبی مانند گروه‌های چپ مارکسیست نیز به صورت حزب توده و با تطبیق ایران با وضعیت چین، شروع به جنگ مسلحانه کردند. در حقیقت اهداف فدائیان اسلام از برگزیدن این شیوه در چند زمینه خلاصه می‌شد.

۱. زمینه‌سازی و آماده‌سازی جامعه در جهت ایجاد یک حکومت اسلامی

۲. آگاه کردن جامعه با استفاده از قدرت سازمان روحانیت با رهبری امام خمینی(ره)

۳. استفاده از جایگاه مبارزه مسلحانه به عنوان پشتیبان و مکمل قیام فراگیر و مردمی در مجموع عملیات و حرکت فدائیان اسلام در این دوره نشان می‌دهد که صیانت سیاسی آنان از یک سو همان خط‌مشی مبارزاتی به رهبری امام خمینی است و از سوی دیگر آگاهانه از تمرکز فعالیت بر مبارزه مسلحانه سرباز زدند، چرا که به این موضوع واقف بودند که ترور همیشه مشکلات بسیاری در پی دارد و نمی‌تواند با راهبرد انقلابی امام هماهنگ باشد.

امام خمینی در طول دوران حیات مبارزاتی خویش، چنان‌چه به ابعاد گوناگون مبارزه توجه کامل داشته‌اند اما در این راستا اولویت با مبارزه فرهنگی می‌دادند و اعتقاد داشتند ابتدا باید به افشاکاری‌های ضد دین و اخلاقی حکومت پرداخت و با بالا بردن سطح بینش مردم بساط رژیم را از هم جدا نمود و مهم‌ترین جلوه مبارزه سیاسی ایشان همان دعوت مردم به تظاهرات آرام و مسالمت‌آمیز بود، اما در مورد به کارگیری مبارزه مسلحانه معتقد بودند در صورتی که تمام راه‌ها مؤثر نیفتد و با وجود شرایط و آمادگی، مدلی از مبارزه مسلحانه را تجویز خواهد کرد. (پناهی، ۱۳۹۳: ۹۱)

۳. گروه‌های جریان فکری چپ

با فراگیر شدن انقلاب اسلامی، گروه‌هایی با شعار عدالت اجتماعی از منزوی خارج شده و دوباره فعالیت سیاسی گسترده‌ای شروع کردند. آنان در فضای انقلاب، وجهه اسلامی از خود نشان داده و مدافع انقلاب و مردم معرفی می‌کردند ولی عدم تجانس اعتقادی از یک طرف و وابستگی به قدرت‌های بیگانه از سوی دیگر باعث شده که مسیر خود را تغییر دهند. مجاهدین خلق و حزب توده از شاخص‌ترین این گروه‌ها بودند که به آنان اشاره‌هایی می‌کنیم.

۱-۳. مجاهدین خلق

«گروه‌ها و عناصر ناراضی که ساله‌های زیادی را در خفقان بسر برده‌بودند و به‌ویژه فضای سرکوب‌گرانه نیمه اول دهه پنجاه را تجربه کرده‌بودند، اکنون احساس می‌کردند که بین شاه و متحدان خارجی‌اش شکاف افتاده و بهترین فرصت برای ابراز وجود و وارد شدن در صحنه سیاست به‌وجود آمده است. به همین دلیل، جامعه ایران در اواخر سال‌های ۱۳۵۵ و به‌ویژه ۱۳۵۶ به تدریج شاهد ناآرامی‌ها و تحرکات اعتراض‌آمیز فزاینده‌ای شد» (حسینی، ۱۳۸۸:۲۷۲).

سازمان مجاهدین پرسروصداترین گروه سیاسی مرتبط با جریان چپ‌گرا اسلامی بود که جریان حرکتی انقلابی در مسیر مبارزه است امام خمینی معرفی می‌کردند آنان با وجود اختلافات سازمانی و ایدئولوژیک تلاش می‌کردند از نفوذ و جایگاه رهبری و روحانیت استفاده کنند. سازمان فعالیت‌های ویژه‌ای را مانند هزینه‌های انسانی و مادی در مسیر مبارزه مسلحانه به‌کار گرفت ولی نتوانست به هیچ‌یک از اهداف ترسیم شده دست یابد. رهبران این سازمان به شدت از ضعف ایدئولوژی اسلامی در رنج بودند و اندیشه آنان اتخاذ شده از اندیشه مارکسیستی بود در نتیجه باعث شد با چهره منافقان به فعالیت خود ادامه دهند. (پناهی، ۱۳۹۳:۷۸)

یکی از اقدامات منافقانه آنان پخش گسترده عکس امام خمینی با علامت سازمان بود که باعث جذب جوانان به این سازمان شود، در صورتی که ایدئولوژی آنان بیان‌گر این موضوع بود که سازمان به مرجعیت اعتقادی ندارد و از آن به عنوان ابزاری استفاده می‌کند. عدم باور به رساله عملیه در اندیشه این سازمان نمونه دیگری از بی‌اعتقادی مجاهدین به اسلام حوزوی بود. در این راستا فعالیت‌هایی نیز انجام می‌دادند که آن را محصول شرایط دوره فتوالیسم می‌دانستند. (عیوضی و هراتی، ۱۳۹۱:۱۱۰)

با وجود این همه تغایرات و اختلافات فکری سازمان با رهبر و روحانیت، ولی مجاهدین تلاش می‌کردند با روش‌هایی از امام خمینی برای خود تأییدیه مثبت بگیرند تا بتوانند در بدنه انقلاب و حکومت قدرت را به‌دست گیرند اما امام خمینی در اقدامی دوراندیشانه آنان حمایتی نکرد و ایشان دلیل عدم حمایت خود را این‌گونه بیان می‌کنند:

«برای یک مملکتی که برای خود این‌ها ملت زحمت کشیده‌است، لاقلاً این قدر ادراک دارند که اگر دوباره اوضاع برگردد برای همه بد است، لکن معلوم شد خیر، قضیه این حرف‌ها نیست و این‌ها عمال خارجی‌ها هستند حالا یا عمال آمریکا هستند یا عمال جاهای دیگر هستند. حالا برای ملت ماهیت این‌ها، ماهیت این نویسنده‌ها ماهیت این احزاب، ماهیت این الفاظ فریبنده بی‌معنا برای ملت حالا روشن شد. اگر ما الان دیگر انقلابی رفتار کنیم نمی‌توانند بگویند که شما آزادی ندادید. ما آزادی دادیم سوءاستفاده شد و دیگر آزادی

نخواهیم داد. آزادی به آن معنا که این‌ها بخواهند خراب‌کاری بکنند این آزادی نخواهد داده شد ... اسلام اجازه نمی‌دهد که ما آزاد بگذاریم که هر کس هر غلطی بخواهد بکند، هر توطئه‌ای می‌خواهد بکند، هر کاری می‌خواهد بکند که بکشد به خاک و خون» (امام خمینی، ۱۳۹۰:۶۱)

بنابراین اگرچه استراتژی امام خمینی برای بسیج احزاب و توده‌ها علیه رژیم شاه و عملکرد آن بر اساس مقاومت منفی پی‌ریزی شده بود ولی جلوه‌های مقاومت منفی ایشان براساس ایدئولوژی اسلامی — انقلابی شکل گرفته بود. از نظر اندیشه ایشان آرمان‌های اسلامی — انقلابی تنها شاخص انقلابی‌گری است و هرکس و گروهی از این شاخص جدا شود مورد تأیید نیست. بسیج سیاسی در حول محور اسلام سیاسی بالاترین استراتژی و راهبرد انقلابی امام بود که به صورت بارز و آشکار در جامعه انقلابی ایران بروز کرد و توانست اراده ملت ایران را بسیج کند و حرکت بی‌نظیر انقلاب اسلام را به جهانیان نشان دهد. در نتیجه امام خمینی تنها صدایی بود که توانست همبستگی نیروهای انقلابی را در انقلاب طنین‌انداز کند و بلوغ سیاسی را در میان جامعه به بالاترین رشد خود برساند. چنان‌چه پرهام در کتاب خود به نام «انقلاب ایران و مبانی رهبری امام خمینی می‌گوید» درست گفته‌اند، که یکی از پایه‌های رهبری امام خمینی تلفیق ماهرانه نهضت سیاسی و نهضت مذهبی است و به پیش‌راندن انگیزه‌های اجتماعی به مدد انگیزه‌های دینی. تردیدی نیست که هماهنگی رهبری روحانی و سیاسی ضامن عمده پیروزی انقلاب ایران است» (پرهام، ۱۳۵۷:۷۷).

۲-۳. حزب توده

شیوه مبارزاتی مسلحانه با اهداف ضربه زدن به دشمن به سقوط و شکستن خفقان در محیط سیاسی از استراتژی مبارزاتی حزب توده، در طول فعالیت‌های سیاسی این سازمان بود. این گروه مارکسیستی پس از کودتای ۲۸ مرداد بصورت فعالانه به فعالیت و مبارزه می‌پرداخت ولی در جریان انقلاب با تغییری مصادیق مارکسیستی و با استفاده از اصطلاحات خاص اسلامی وارد مبارزات جدیدی شدند. آنان سعی داشتند خود را همراه مردم و همچنین پیرو خط امام نشان دهند بعداً واژه مستضعفین را بجای پرولتاریا بکار می‌برند. و یا اینکه عبارت پیش‌توحیدی را در طول بیانیه‌هایشان استفاده می‌کردند (عیوضی و عراقی، ۱۳۹۱: ۱۰۵ - ۱۰۶).

بدین ترتیب اغلب جریان‌های فکری مارکسیستی خصوصاً حزب توده در آستانه پیروزی اوضاع را برای در دست گرفتن قدرت مناسب ارزیابی کرده و با نفوذ در ساختار نظام توانستند فتنه‌هایی را در سراسر کشور زمینه‌سازی گسترده و با همکاری ضد انقلاب جنگ با حامیان انقلاب را گسترش دهند. لذا امام(ره) در خصوص مبارزین گروه‌های فکری که به مبارزه مسلحانه روی آورده بودند آن را

برنامه می‌دانستند و ضمناً بر اساس مبنای فکری مارکسیستی آنان امام همواره به اصول نه شرقی و نه غربی تاکید داشتند. سرانجام بعد از پیروزی انقلاب ملت توطئه‌های فراوان اعضای حزب توده به همراه زیادی از اعضای نفوذ آنان و ارتش و سایر ادارات دستگیر و محاکمه شدند و توطئه‌های آنان برملا شد. چنانچه امام(ره) توطئه‌های این گروه را مقابل اسلام قرار می‌دادند می‌فرمودند: «ملت نمی‌تواند توطئه را تحمل کند. ما تحمل نمی‌کنیم این توطئه را به دین کشورها اسلام است، آزادی در صدد این است که به اسلام ضرر نخورد. کانون اصلی دین را اسلام می‌داند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۷: ۴۸۷).

نتیجه

ائتلاف‌ها در جوامع، آثار و نتایج پنهان و آشکاری را به جای می‌گذارند و بر اساس شرایط و ارکان خاصی به وقوع می‌پیوندند. لذا بررسی نقش رهبری به عنوان یکی از ارکان مهم انقلاب به عنوان رهبر بسیج‌گر بسیار حائز اهمیت است. بدین ترتیب در این پژوهش به نقش ابعاد رهبری امام خمینی در خصوص بسیج‌گری گروه‌های مختلف فکری پرداخته شد. در واقع این مقاله در پاسخ به این سوال که چگونه امام توانست گروه‌های مختلف فکری را بسیج کند؟ لذا در جریان انقلاب گروه‌های مختلف فکری به فعالیت‌های مبارزاتی سیاسی مشغول بودند که می‌توان به سه دسته آنان را تقسیم کرد. ۱ - گروه‌های ملی که با اهداف ترجیح ایرانی، جدایی دین از سیاست و مخالفت نفوذ انگلیس، تکیه بر قانون مشروطیتبه فعالیت سیاسی می‌پرداخته و جبهه ملی و نهضت آزادی ایران از مهمترین این گروه‌ها بودند. ۲ - گروه‌های مذهبی که پشتیبان رهبری بودند که براساس بینش اسلامی و معیارهای معنوی، فعالیت‌های گسترده‌ای سیاسی در زمینه‌های مختلف انجام می‌دادند اگرچه مسابقه مبارزات مسلحانه در تاریخچه خود داشتند. ۳ - گروه‌های فکری چپ که با فراگیر شدن انقلاب با شعار عدالت اجتماعی از منزوی خارج شده و فعالیت‌های سیاسی را از سر گرفته بودند. مجاهدین خلق و حزب توده که از شاخص‌ترین این گروه‌ها بودند با شعار ندافع انقلاب و مردم وجهه‌ای اسلامی از خود نشان دادند اما تجانس اعتقادی آنان باعث انحراف آنان از انقلاب شد. بدین ترتیب امام خمینی در نقش بسیج‌گری توانست بزرگترین تحول را میان گروه‌های فکری مختلف بوجود آورده و آنان را زیر یک پرچم که همان اسلام است گرد آورد. برسمیت شناختن آزادی‌های سیاسی مشارکت گروه‌ها و احزاب در قیام، حفظ ارکان و اهداف انقلاب، عدالت اجتماعی، آزادی، استقلال، از اصول استراتژی بسیج‌گری امام(ره) در عملکرد با گروه‌های و جریان‌های فکری مختلف بود که توانست در پیکر انقلاب بزرگترین ماشین بسیج‌گری را در عرصه عمل به نمایش بگذارد.

منابع و مأخذ

۱. احمدپورترکمانی، بابک، ۱۳۸۹، *در سیر حول ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض از نهضت تنباکو تا انقلاب اسلامی ایران*، پایان‌نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد. دانشگاه شاهد. دانشکده انسانی
۲. اسکندری، وحید، ۱۳۸۹، *جریان‌شناسی سیاسی اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی در ایران پس از انقلاب اسلامی*، پایان‌نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد. دانشگاه شاهد. دانشکده علوم انسانی.
۳. التیام‌خو، کوروش، ۱۳۹۲، *دو مقایسه ابعاد رهبری در انقلاب اسلامی ایران، انقلاب روسیه و انقلاب چین*، پایان‌نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد. دانشگاه شاهد. دانشکده علوم انسانی.
۴. امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۹، *صحیفه امام*، تهران، نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. پرهام، سیروس، ۱۳۵۷، *انقلاب ایران و مبانی رهبری امام خمینی*، تهران، سپهر.
۶. پناهی، محمدحسین، ۱۳۹۲، *نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرآیند، پیامدها*. تهران، انتشارات سمت.
۷. تبیان، دفتر ۲۹، ۱۳۹۰، *بسیج در اندیشه امام خمینی (ره)*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ ۵.
۸. حسینی، حسین، ۱۳۸۸، *رهبری و انقلاب*، تهران، نشر عروج، چاپ دوم.
۹. ذوعلم، علی، ۱۳۸۱، «روند شکل‌گیری رهبری امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی»، *مجله علوم سیاسی*، شماره ۲، صص ۵۵-۷۰.
۱۰. شادلو، عباس، ۱۳۷۹، *اطلاعاتی درباره احزاب و جناح‌های سیاسی ایران امروز*، تهران، انتشارات سرگرده.
۱۱. عیوضی، محمدرضا، ۱۳۸۶، *جامعه‌شناسی سیاسی ابوریسیون عصر پهلوی*، تهران، قومس.
۱۲. عیوضی، رحیم و جواد هراتی، ۱۳۹۱، *درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، قم، دفتر نشر معارف، چاپ ۲۴.
۱۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، تهران، انتشارات صدرا.
۱۴. منصوری، جواد، ۱۳۷۷، *تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۵. هافر، اریک، ۱۳۷۲، پیروآستین، ترجمه فیروزه خلعت‌بری، تهران، نشر شباویز.
16. Green. Thomash, 1990, *Comparative Revolutionary Movements*, third Edition, New jersey, prentice-Hall.

